

دروازه های سیاست

عباسعلی شهبازی توسط ساواک شاه و جمع کردن طرفداران حزب توده در آن شبکه و سپس گسیل داشتن اعضای شبکه که درون سازمان های جبهه ملی در سال های ۱۳۳۹ به بعد نمونه دیگری از این نفوذ های مزدوران است. البته لازم به ذکر است که بسیاری از اعضای آن شبکه بدون آگاهی از ماهیت عباسعلی شهبازی فریب اورا خورده بودند و ندانسته عامل اجرای دستورات او قرار گرفته بودند. به جرات میتوان گفت که یکی از اصلی ترین علل شکست ها و انحراف ها در نهضت آزادیخواهانه و استقلال طلبانه ملت ایران از انقلاب مشروطیت تا امروز رسوخ همین عناصر مزدور به درون نهضت بوده است.

۳- دروازه سوم ورودی افراد دزد و ناپاک و شارلاتان به میدان سیاست است که هدف آنها از ورود به این عرصه تنها رسیدن به مقامی است که در زیر چتر آن بتوانند خیلی سریع جیب خود را پر نموده و تمام آمال حقیر مادی خود را بر آورده نمایند و یک شبه ره صدساله را بروند و به اصطلاح هفت پشت خود را ببندند. تمام فساد های مالی در دستگاه های حکومتی چه در گذشته و چه در حال و چه بسا در آینده توسط این گروه پست و بی اعتقاد و خائن به مردم صورت میگیرد. نمونه های اینگونه افراد فراوانند و نامه اعمال آنان در مقابل چشم مردم در گذشته و حال عیان بوده و نیازی به ذکر مثال نیست. این دسته اعتقادی به هیچ اصل و آرمانی ندارند و تنها هدف آنها کسب قدرت سیاسی برای رانت خواری و ثروت اندوزی است.

۴- دروازه چهارم مربوط به افراد بیمار است. که یا بعلت عقده های حقارتی که به آن دچارند جهت پردازش خودو دسترسی به شهرت و قدرت به این چهارمین دروازه میدان سیاست روی میآورند و یا روان ناهنجارانی هستند که با خود بزرگ بینی باور نکرده تصور میکنند که برای هدایت و اداره مردم خلق شده اند و تنها آنها هستند که باید مردم را ارشاد و طبق برنامه خود به طرف سعادت رهنمون شوند. برخی از این بیماران تنها به هدایت و دلالت هموطنان خود نیز بسنده نکرده و برای دنیا نیز برنامه دارند. در حالیکه در کوچه و محله خود برای مردم شناخته شده نیستند به شخصیت های سیاسی طراز اول جهان و مقامات بین المللی نامه مینویسند و به آنها رهنمود میدهند. وای به روزی که این بیماران به یک صندلی قابل دیدی تکیه بزنند، حساب آن روز دیگر روشن است که چه خواهند کرد. نمونه هایی از این دسته افراد نیز کم نیستند به عنوان مثال اگر آدولف هیتلر در المان و صدام حسین در عراق را از این گروه بیماران روانی رسیده به قدرت ندانیم پس ورود آنها به عرصه سیاست و قدرت را از کدام دروازه بدانیم؟

هشدار به مبارزان صلیح راه آزادی و راه مردم اینست که تحریکات و روحیات افراد و پیرامونیان جمعیت خود را در ذهن مورد مرور و بررسی قرار دهند و افراد صحیح العمل و آرمانگرا را از افراد منحرف فکری و کسانیکه به اصول و پایه های اعتقادی درستی پایبند نیستند و بنابراین به چگونگی کار دسته جمعی باتصمیم دسته جمعی و احترام به خرد جمعی باور ندارند تمیز دهند و اجازه سوء استفاده و یکه تازی به منحرفین ندهند. علائم انحراف در آنها روشن است فقط کمی دقت و تحلیل کردن عملکرد آنها و قضاوت صادقانه را طلب میکند.

عرصه سیاست همچون میدانی است که دروازه های ورودی مختلفی دارد و هر کس با مقاصد و نیات خود دروازه ویژه خود به پهنه سیاست و لاجرم به سازمان های سیاسی گام می نهد. این یک قاعده کلی و جهانشمول است. ولی این اختلاف مقصود در ورود به میدان سیاست در مورد کشورهای عقب نگاهداشته شده جهان سوم مصداقی ملموس تر پیدامیکند و در کشورهایمانند مینماند ما ایران عینیت روشن تری می یابد.

۱- اولین دروازه ورودی اصلی و قابل قبول و موجه به میدان سیاست دروازه ای است که علاقمندان به پیشرفت و اعتلای وطن و رفاه و سعادت هموطنان در آن قدم میگذارند. آنها به قصد تحصیل «آزادی» که کلید اصلی برای ورود در جاده ترقی کشور و رفاه مردم است، از این دروازه عبور میکنند. این افراد با نیتی پاک و فارغ از هرگونه حسابگری و به قصد خدمت به میهن و هم میهنان خود هرگونه مخاطره ای رامیپذیرند و از منافع شخصی خود در برابر منافع ملی میگذرند و نقش پیشگامان و پیشروان تحصیل حقوق ملت را به عهده میگیرند. اینان داعیه مقام و منصب و مال و ثروت و شهرت و ریاست را ندارند و چون اهداف والا و مقدسی را دنبال میکنند، از راه های ناصواب و غیر صحیح و دروغ و ریا برکنارند. و به عبارت دیگر به اعتقاد آنها هدف توجیه کننده وسیله نیست. از نظر آنها همراه باهدف پاک باید راه نیز منزه و شرافتمندانه و با تکیه بر استقلال باشد. بعنوان نمونه این افراد، میتوان از دکتر محمد مصدق رهبر جبهه ملی ایران نام برد که به اذعان هر انسان بی غرض و بی نظری هیچ انگیزه ای جز خدمت به کشور و یاری به هموطنان برای اومتصور نیست. او در مبارزات خود جز فدا کردن موقعیت های شخصی و رفاه خود و خانواده اش نصیب دیگری نداشت و همین گونه بودند بسیاری از یاران او و شخصیت های ملی. نمونه های دیگر همه شهدای گمنام راه آزادی هستند که بزرگترین و بالاترین سرمایه خود یعنی جانشان را در راه منافع مردم بدون هیچ چشمداشتی فدا نموده اند.

۲- دروازه دوم که دروازه ای کوچک تر است، مخصوص ورود افراد مزدوری است که چه از طرف دستگاه های اطلاعاتی بیگانه و از سوی کشورهای استعماری و برای برآورده ساختن خواست های آنان در آینده، و چه توسط دستگاه های امنیتی حکومت های دیکتاتوری و غیر ملی و برای ایجاد اختلال و در صورت موفق شدن ایجاد انحراف به میدان سیاست و به درون سازمان های سیاسی اعزام شده و به اصطلاح در میان آنها کاشته میشوند. اینان چون با هدفی ناپاک و خائنانه به این میدان گام نهاده اند، روش های آنها نیز نادرست و توهم با حيله و نیرنگ و دروغ و ریاکاریست. این دسته اولاً سازمان یافته اند و همدرستان و همکارانی در اطراف و کنار خود دارند و ثانیاً افراد سالمی را نیز باهر ترفندی فریب داده و با خود همراه میکنند و از وجود آنها بعنوان پوششی برای پیشبرد اهداف خود سوء استفاده مینمایند. نمونه این دسته اشخاص نفوذی فراوان و در همه جادیده شده و میشوند. بعنوان مثال هیچکس فراموش نکرده است که چگونه آقای ویلی برانت صدراعظم آلمان غربی به دلیل نفوذ یک مامور آلمان شرقی به دفتر کارش از سمت خود استعفا داد. او در اوج محبوبیت اعلام کرد که چون توان تشخیص ورود یک فرد نفوذی را به محیط کارش نداشته شایسته ادامه دادن به این مقام نیست. نفوذ اشخاصی چون دکتر بقائی در نهضت ملی ایران و طرد او توسط دکتر مصدق نمونه دیگر این نفوذ هاست. ایجاد شبکه

درباره کودتای ۲۸ مرداد
ادیب برومند

تند باد جنایت

دل فارغ از جفای بست زشتخونماند
تاسیل حادثات سرازیر شد به قهر
از تند باد جور و جنایت که شد وزان
آن زا هد ریائی بی آبروی را
کوانکه ناله اش زستم برفلک نخاست
کومادری که غصه حبس پسر نخورد
آنجا که شد قیام فواحش قیام خلق
این لکه فتاده به دامن ملک را
عمال شاه راهی تخریب مملکت
بر صفحه ی زمانه بجز نقش عار و ننگ
آنکس که گشت خانه ی ملت خراب از او
ننگی به جای ماند در ایران از این گروه
جز نفرت و تبسری و نفرین و انزجار

خوشت ز انتقام به دل آرزو نماند
یک سرو سرفراز با طرف جوماند
دیگر به بوستان وطن رنگ و بونماند
به زاب چشم خلق برای وضونماند
کوانکه نغمه اش خفه اندر گلو نماند
کوبانویی که خسته ی هجران شونماند
دیگر برای پیرو جوان آبرو نماند
باخون پاک چاره بجز شستشونماند
زین به مجال همه مه و های و هونماند
زین ناکسان تیره دل زشت خو نماند
جز لعن جاودانه ملت به راو نماند
کز دوده سکندر به پیداد جو نماند
زین شاه خیره بر سر بازار و کونماند

هموطنان عزیز

با تکثیر و توزیع این نشریه و ارسال آن برای دیگران از هر طریق که امکان آن را دارید ما را یاری دهید.

سپهر
ملی ایران

نشریه داخلی پیام جبهه ملی ایران

با یاد

دکتر مهدی آذر و اصغر پارسا
www.jebhemelliran.org
E-mail: hejmi85@yahoo.com